

مدیریت تربیتی مبتنی بر سیره پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر آیات قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

مریم سلطانزاده پسیان*

عبدالرحیم نوه‌ابراهیم**

حمیدرضا آراسته***

ابوالفضل خوش‌منش****

چکیده

در علم مدیریت آموزشی، معمولاً سازمان‌های آموزشی مانند دیگر سازمان‌های خدماتی، تولیدی و صنعتی در نظر گرفته شده‌اند؛ درحالی که اگر مدیریت آموزشی به سمت مدیریت عناصر حاکم بر تربیت و آموزش حرکت کند، به اهداف غایی خود دست خواهد یافت. از طرف دیگر، اسلام به‌عنوان آخرین دین برای هدایت بشریت، برنامه‌ای کامل برای تربیت انسان دارد و بر این اساس، در پژوهش حاضر، در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌ایم که مدیریت تربیتی در سیره رسول‌الله (ص) به‌عنوان کامل‌ترین انسان و آخرین پیامبر، چگونه است، تا بتوانیم از این شیوه مدیریت در نظام آموزش و پرورش بهره‌جوییم. برای انجام‌دادن این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون استفاده کرده‌ایم و تحقیق پیش‌روی درزمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش، مشتمل بر قرآن کریم و نمونه پژوهش، آیات مرتبط با سیره پیامبر اکرم (ص) در خصوص تربیت و آموزش در این کتاب آسمانی بوده است و به‌منظور اطمینان‌یافتن درباره برداشت از آیات، از تفسیر المیزان نیز استفاده کرده‌ایم. برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، داده‌های اولیه کدگذاری شدند و طبقه‌بندی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر در سه محور اهداف غایی، اصول و روش‌ها صورت گرفت و بدین ترتیب، درحوزه اهداف غایی، یک هدف غایی هدایت (خروج از ظلمت به سمت نور) و یک هدف فرعی به‌نام بلاغ (اتمام حجت) به‌دست آمد. درحوزه اصول، پنج اصل انذار (بیدارکردن)، تذکر (یادآوری)، تبشیر (استقامت)، رجوع به منبع و اسوه‌سازی تعیین شد. درحوزه روش نیز چهار روش تلاوت آیات (انتقال حقایق و عینیت‌بخشیدن آن‌ها)، تزکیه (پاک‌سازی و رشد)، تعلیم کتاب و تعلیم حکمت شناسایی شد. مسئله موردتوجه در این پژوهش، نظام‌مندبودن، مرتبه‌ای و مرحله‌ای بودن آن، و کارکرد مضامین به‌دست‌آمده در تسریع رشد و دورکردن انحراف‌ها از نظام آموزشی است؛ به‌نحوی که همه اصول و روش‌ها درخدمت هدف غایی باشند.

واژگان کلیدی: اهداف غایی تربیتی، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی، مدیریت تربیتی - آموزشی،

سیره تربیتی پیامبر.

* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

pessyanm@gmail.com

Nave1954@yahoo.com

** استاد مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Arasteh@khu.ac.ir

*** استاد مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Khoshmanesh@ut.ac.ir

**** دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بیان مسئله

امروزه، توجه به علم مدیریت آموزشی و کارکردهای آن در جامعه نشان می‌دهد چهارچوب و اصول این علم به میزان زیادی همان اهداف، اصول و روش‌های مدیریت را دارد؛ با این تفاوت که در مکان‌های آموزشی از آن استفاده و تلاش می‌شود موارد به کاررفته در علم مدیریت، در نظام آموزشی نیز به کار گرفته شوند؛ درحالی که متخصصان آموزش برای ایجاد تحول در نظام آموزشی، نیازمند تغییر دادن این نگاه هستند و اگر بتوانند مدیریت آموزشی- تربیتی را بازتعریف و اهداف، اصول و روش‌های حاکم بر تربیت را مدیریت کنند، به اهداف غایی خود در نظام آموزشی دست خواهند یافت.

نگاه غالب بر مدیریت آموزشی که در آن، جنبه‌های انسانی و معنوی متربی، موردتوجه نبوده، سبب شده است جامعه امروزی درحوزه آموزش، با چالش‌های متعدد روبه‌رو باشد (چاه‌خویی اناری، ۱۳۹۵). ازجمله مهم‌ترین این چالش‌ها به‌ویژه در ایران، موارد زیر را می‌توان نام برد:

الف) رشد واقعی‌ای که پرورش‌دهنده تمام ابعاد وجود انسان برای رسیدن به کمال خود باشد، به‌صورت دقیق و سلسله‌مراتبی تبیین نشده است. براساس تعریف بیان‌شده درباره رشد در قرآن می‌توان شاهد شکوفایی تمام توان‌ها و استعداد‌های انسان بود. امروزه، نقص نظام آموزشی در یکسان‌سازی آموزش‌ها برای همگان و توجه نکردن به تفاوت‌های فردی در ایران، مشکلات زیادی را ایجاد کرده (دزیانی، ۱۳۹۵)؛ حال آنکه در مطالعات بین‌المللی، سبک‌های مختلف یادگیری و تفاوت‌های فردی به رسمیت شناخته شده است (Schmeck, 1988).

ب) اگر مدیریت آموزشی بتواند عملکردی فراتر از مدارس و سازمان‌های متولی آموزش داشته باشد و به‌صورت کلان به مقوله تربیت توجه کند، این فرصت را فراهم می‌آورد که انسان‌ها با سرعت و کیفیت بیشتری مراحل رشد را طی کنند و درعین حال، خطاهای احتمالی و انحرافات اخلاقی نیز کاهش می‌یابد (Mahmoudi, Jafari, 2012).

ج) در مدیریت آموزشی، بیشتر به مسائل آموزش، اعم از نیروی انسانی، تجهیزات، محیط آموزشی، هماهنگی بین مدیریت و کارکنان و... پرداخته می‌شود؛ ولی مسائل این حیطه باید در مقیاسی بسیار کلان‌تر در نظر گرفته شود و به سمت عناصر تربیتی به معنای واقعی آن سوق یابد (Miller, 1992). در واقع، رسالت اصلی مدیریت آموزشی، سوق دادن یادگیرندگان به سمت رشد و کمال خود است؛ به نحوی که مسیر تحول و رشد ترسیم شود و اگر بتوان غایات را به درستی تعیین کرد، به تبع آن، نیروی انسانی و محیط، منابع و تجهیزات آموزشی اصلاح می‌شوند و درصدد تحقق بخشیدن اهداف و غایات برمی‌آیند.

بنابراین، جامعه آموزشی، نیازمند ایجاد تحول بنیادین در اهداف و غایات، اصول و روش‌های خود است. برای ایجاد تحول در نظام آموزشی و رفع ناکارآمدی‌های آن، دو رویکرد کلی وجود دارد (Miller, 1992): رویکرد اول که تاکنون نیز به کار گرفته شده، برگرفته از تجربیات کمی و کیفی در جوامع مختلف انسانی است. رویکرد دوم، توجه به آموزش و تربیت از منظر دینی است^۱. دین اسلام توانسته است با استفاده از معارف عمیق خود، نگاه دیگری را در حوزه آموزش و تربیت ترسیم کند و در فرهنگ ایرانی-اسلامی، علاوه بر تأکید بر عقل، در نظر گرفتن وحی به عنوان راهی برای مدیریت و تصمیم‌گیری اهمیت فراوان دارد (سیدجوادین، ماه‌بانویی و قاسمی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۸)؛ هرچند به واسطه کلی‌گویی و تکرار این موضوع، بدون توجه به جنبه‌های عملیاتی و اجرایی آن، بیشتر متخصصان در خصوص آموزه‌های دینی احساس ناکارآمدی می‌کنند (Panjwani, 2004).

واژه «تعلیم» به معنی آموزش دادن و انتقال مفاهیم، مهارت‌ها و متون است و تربیت یعنی شکوفاکردن استعدادهای آدمی با ایجاد زمینه مناسب در جهت مطلوب (خنیفر، ۱۳۷۹). تربیت، فرایندی تعاملی است که زمینه را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت آنان در مسیر آماده‌شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فراهم

۱. در پژوهش حسین (2004)، نیاز به آموزش‌های اسلامی در مدارس بریتانیا برای دانش‌آموزان مسلمان مطرح شده است.

می‌آورد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۹). مدیریت نیز مهم‌ترین عامل رشد، بالندگی و حیات سازمان‌ها به‌شمار می‌آید و مدیریت آموزش و پرورش عبارت است از ایجاد زمینه و وسیله به‌منظور بروز و به‌کارگیری استعدادها و دانش‌آموزان، تحکیم بخشیدن روابط انسانی گروهی، اتخاذ روش و تعیین خط‌مشی اصولی در کلیه امور برای دستیابی به هدف‌های تربیتی؛ بنابراین، مدیریت آموزشی در هر نظام تعلیم و تربیتی‌ای یکی از زیرنظام‌های مهم به‌شمار می‌آید و مدیران آموزشی، عناصری اثرگذار در دستیابی نظام تعلیم و تربیت به اهداف و سیاست‌هایی هستند که آن نظام از پایه برای دستیابی به آنها طراحی و تعریف شده است (فرمهبینی و احمدآبادی، ۱۳۹۰، ص. ۹۰). برای دستیابی به غایت نظام آموزشی، یعنی پرورش دادن استعدادها هر فرد به‌منظور دست‌یافتن او به کمال باید به مدیریت تربیتی نیز به‌عنوان مسیر تحقق‌یافتن این حرکت توجه کرد.

واژه «هدف» در لغت عبارت است از هر چیز بلند و برافراشته (مانند بنا و ریگ‌توده)، نشانه تیر و آنچه آدمی برای رسیدن بدان می‌کوشد (از قبیل مقام و مال و مکنّت) و به‌معنای مقصود و غایت نیز به‌کار می‌رود؛ ولی در حوزه تعلیم و تربیت، هدف «به‌معنای وضع نهایی و مطلوبی است که سودمند تشخیص داده شده و برای رسیدن به آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد» (داوودی، ۱۳۸۸، ص. ۶۵). واژه «اصل» در لغت به‌معنای ریشه و مبناست؛ ولی در علوم کاربردی مانند علوم تربیتی و مدیریت، عبارت از «قاعده عامه‌ای است که می‌توان آن را به‌منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به‌عنوان راهنمای عمل استفاده کرد». مبانی و اصول، جهت‌گیری کلی فعالیت‌های تربیتی را مشخص می‌کنند (داوودی، ۱۳۸۸، ص. ۷۸). واژه «روش» دارای معانی لغوی متعددی همچون قاعده و قانون، شیوه، اسلوب، سبک و منوال است. معانی اصطلاحی این واژه عبارت‌اند از: راه منظم و نظام‌مند بررسی حقایق و مفاهیم، تعیین طریق انجام‌دادن یک فعالیت یا امر و راهی که به‌منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود؛ بنابراین، روش عبارت است از راه به‌کارگیری قواعد، شیوه‌ها و فنون آموزشی‌ای که آموزگار برای دستیابی به اهداف آموزشی خود، از آنها بهره می‌گیرد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۸).

به‌منظور مطالعه اهداف، اصول و روش‌های مدیریت تربیتی براساس آموزه‌های اسلامی می‌توان سیره رسول اکرم (ص) را به‌عنوان یک نمونه عملی واقعی برای رشد و تعالی انسان‌ها بررسی کرد. به‌تعبیر قرآن کریم، رسول اکرم (ص) اسوه حسنه است؛ لذا می‌توان با آموزه‌های دین اسلام که به‌واسطه آن حضرت در جامعه جاری شده، اهداف، اصول و روش‌های پیامبر درحوزه تربیت و مدیریت تربیتی را شناسایی کرد که در الگوها و نظریه‌های برآمده از آن، تعیین‌کننده است (محمدی‌نسب، ۱۳۸۹).

برای آشنایی بیشتر با مدیریت تربیتی پیامبر و دین اسلام می‌توان از دو مسیر پیش رفت: یکی بررسی قرآن به‌عنوان منبع حاوی اصول کلی حاکم بر زندگی و تعاملات پیامبر؛ دیگری بررسی روایات و سیره زندگی پیامبر برای دریافتن نحوه عملکرد ایشان در موقعیت‌های گوناگون. علاوه بر ارزشمندبودن بررسی روایی در این زمینه به‌نظر می‌رسد چون روایات به‌شدت وابسته به مخاطب مشخص و موقعیت خاص هستند، ظرفیتی محدودتر را برای تبیین اصول کلی فراهم می‌کنند؛ از این روی، برای تبیین ساختاری نظام تعلیم و تربیت باید به قرآن مراجعه کرد. در قرآن کریم، علاوه بر آنکه پیامبر (ص)، نمونه و سرمشقی نیکو برای زندگی متعالی معرفی شده، تصویری دقیق از آن حضرت به‌دست داده شده است که براساس آن می‌توان به شناختی نسبتاً جامع درباره اخلاق و رفتارشان دست یافت و روح حاکم بر رفتار آن حضرت و قواعد و اصول زندگی ایشان را راهنمای خویش قرار داد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره سیره رسول‌الله (ص)، با رویکرد دسته‌بندی اهداف، اصول و روش‌های سیره تربیتی آن حضرت و براساس روش‌های کتابخانه‌ای و توصیفی و تحلیلی انجام شده‌اند؛ مثلاً سالاری (۱۳۹۲) در پژوهشی موارد زیر را به‌عنوان اهداف تربیتی پیامبر برشمرده است: عبودیت خداوند متعال و اطاعت از او، آماده‌کردن انسان برای آزمون الهی، شناساندن پیامبران الهی و به‌ویژه رسول‌الله (ص)، متصف‌شدن انسان به آداب نیکو و الهی، رشد و پرورش فضایل اخلاقی و الهی در انسان، تکریم انسان، پرورش‌دادن گرایش به زندگی اجتماعی، ایجاد محیط مناسب و مطلوب برای رشدیافتن برادری، ارشاد مسلمانان به‌منظور رشد و پرورش آنان، دستیابی

به تقوای الهی، کسب و مصرف صحیح کالاها و خدمات برای هدایت فعالیت‌ها و حرکات به سمت هدف نهایی خلقت.

حمزه زاده، آموزگار و بهشتی (۱۳۸۹) در پژوهشی اصول تربیتی پیامبر (ص) را بدین شرح برشمرده‌اند: هماهنگی تربیت و فطرت انسانی، توحیدمحوری، آخرت‌گرایی، توکل، عدالت‌محوری، اعتدال، کمال انسان، کرامت انسانی، جامعیت، وحدت هدف، عقل‌ورزی و تفکر خلاق، توجه به تفاوت‌های فردی، محبت و مهرورزی، سهل‌گیری، سادگی در زندگی، پایبندی به عهد، ممنوعیت اکراه و تحمیل و یا آزادی اراده انسان، پرهیز از خشونت و نفی اطاعت کورکورانه.

محمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی موارد زیر را به عنوان روش‌های تربیتی پیامبر نام برده است: بیان قصه، موعظه، یادآوری نعمت‌ها، اهمیت‌دادن به نماز، خشنودی به قضا و حکم خداوند متعال، پرسش و پاسخ، گفت‌وگو، ذکر مثل، مبارزه با خرافات و قشری بودن، ارزش‌دادن به علم و علم‌آموزی، مراقبت از صفوف نماز، تقسیم‌بندی ساعات شبانه‌روز، تغافل، گذشت در عین قدرت، ارزش‌دادن به کار و کارگر، کار و تلاش، قناعت، آراستن ظاهر، فصاحت زبان و کلام، نیکی به همگان، نوازش فرزندان، نهی مری از رفتار تند با کودکان، تصحیح اشتباه مری بدون ذکر نام وی، مرحله‌ای کردن تکالیف، سعه صدر در مقابل مخالفان، آسان‌گیری، صبر در مصیبت، صبر در طاعت، صبر از گناه، برابر بودن افراد در مقابل قانون، تکلیف به قدر وسع، معیار قراردادن خود، ابتلا، دلسوزی در مدیریت مسلمین، خدمت به خلق، همدردی با دیگران، همکاری در امور روزمره و استفاده از علم دیگران.

در این پژوهش‌ها مدیریت اهداف، اصول و روش‌های تربیتی سیره رسول‌الله (ص)، موردنظر نبوده و صرفاً به وجوه تربیتی سیره ایشان توجه شده است. در پی مرور پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت تربیتی پیامبر (ص) درمی‌یابیم چهارچوبی یکپارچه در این حوزه وجود ندارد که مبتنی بر آن بتوان نظامی را برپا یا اصلاح کرد و این سؤال همچنان باقی می‌ماند که آیا سیره پیامبر (ص) در نظام آموزش و پرورش، جاری است یا خیر. در اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، گردآوری مطالب، دسته‌بندی و عنوان‌گذاری انجام شده؛ به نحوی که در آن‌ها چهارچوبی برای

کلیت نظام آموزش و پرورش به دست داده نشده است. از سوی دیگر، در بیشتر پژوهش‌ها به قرآن مراجعه نشده و صرفاً براساس سیره عمل شده است. در مواردی نیز که به قرآن مراجعه شده، این مراجعه از نوع موردی بوده است و نگاه کل‌نگر به قرآن دیده نمی‌شود. در نهایت، ضعف پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره اهداف، اصول و روش‌های مدیریت تربیتی پیامبر (ص) نیز مسئله‌ای درخور توجه است؛ لذا این پژوهش‌ها پاسخ‌گوی نیازهای جامعه امروزی نیستند و لازم است پژوهش‌های کیفی و بنیادین در این زمینه افزایش یابد؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر، درصدد پیشنهاد کردن ساختار فرایندی برای مدیریت تربیتی با نگاه کل‌نگر قرآن به سیره تربیتی پیامبر (ص) هستیم و بدین منظور، پاسخ‌گویی به این سه پرسش، مورنظر است:

- اهداف غایی از مدیریت تربیتی پیامبر اعظم (ص) با تأکید بر مطالعه سیره ایشان در قرآن حکیم، کدام‌اند؟

- اصول مدیریت تربیتی پیامبر اعظم (ص) با تأکید بر مطالعه سیره ایشان در قرآن حکیم، کدام‌اند؟

- روش‌های مدیریت تربیتی پیامبر اعظم (ص) با تأکید بر مطالعه سیره ایشان در قرآن حکیم، کدام‌اند؟

با استفاده از پاسخ این سؤال‌ها می‌توان مراحل مدون را به منظور اجرای نظام‌مند و مرتبه‌ای مدیریت تربیتی استخراج کرد؛ همچنین می‌توان ساختاری برای نظام‌دادن به پژوهش‌های پراکنده در این حیطه و در نتیجه، زمینه طراحی و اجرای الگوی نظام‌های آموزشی و تربیتی را بر این اساس فراهم آورد.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی است و برای انجام‌دادن آن از شیوه تحلیل مضمون استفاده کرده‌ایم. در تحلیل متون دینی، ریشه‌ها تحلیل می‌شوند و امکان دستیابی به مفاهیم و گزاره‌های دینی به‌عنوان ابزاری برای تفکر دینی فراهم می‌آید (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲، ص. ۸۳). مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مضمون بدین شرح است: تجزیه و توصیف متن از طریق آشناسدن با متن و کدگذاری اولیه، تشریح و تفسیر متن از طریق استخراج مضامین پایه از بخش‌های کدگذاری‌شده متن و پالایش و بازبینی مضامین

برای دستیابی به مضامین سازمان‌دهنده، جمع‌بندی مضامین سازمان‌دهنده و قرارداد آن‌ها در زمره مضمون کلی‌تر (مضامین فراگیر) (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۱).

جامعه آماری موردنظر در این پژوهش، آیات قرآنی مرتبط با سیره پیامبر اکرم (ص) را دربر می‌گیرد. برای اطمینان‌یافتن در خصوص برداشت از آیات، از تفسیر المیزان استفاده و بدین منظور، مراحل زیر را طی کرده‌ایم:

- نخست، دو موضوع شأن و نقش پیامبر (ص) را در کل قرآن کریم به صورت اولیه بررسی کردیم و در این مرحله، تأکید بر خطاب‌های مستقیم و غیرمستقیم به ایشان در آیات بوده است.

- پس از آن، صفات، شئون و جایگاه‌های متفاوت پیامبر (ص) را استخراج و از میان آن‌ها ویژگی‌های آموزشی و تربیتی آن حضرت را کدگذاری اولیه کردیم؛ مثلاً در آیات مختلف به نقش مُرسَل، یعنی کسی که به او وحی می‌شود، دارای خُلق عظیم است و...، اشاره شده و با توجه به هدف پژوهش، آیات مرتبط با صفات تربیتی مانند مُنذِر، مُبَشِّر و مُذَكِّر، همان‌گونه که در جدول ۱ آمده، انتخاب شده است. در مرحله بعد، مضامین پایه با توجه به کدگذاری اولیه به دست آمده‌اند.

- ذیل مضامین پایه، چنانچه در تفسیر المیزان، توضیحی مناسب درباره وجه تربیت یا آموزش در سیره پیامبر (ص) ذکر شده بود، انتخاب شد و آن آیات نیز کدگذاری شدند.

- به منظور دستیابی به مضامین سازمان‌دهنده، مضامین پایه دوباره بررسی شدند و در رفت‌وبرگشت بین آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده مشخص شد.

- براساس تعاریف مطرح‌شده در مبانی نظری، مواردی که ذیل غایات تربیتی پیامبر (ص) قرار داشتند، ذیل اهداف، آن‌هایی که دارای اصول کلی تربیت و آموزش بودند، ذیل اصول و آن‌هایی که به انواع راه‌های دستیابی به اهداف اشاره می‌کردند، ذیل روش‌ها در مضامین کلی‌تر و فراگیر قرار گرفتند.

برای اعتباریابی پژوهش، ملاک‌های اعتباریابی گوبا و لینکلن^۱ (1985) در راستی‌آزمایی یافته‌های تحقیق، موردنظر بوده است. با وجود اینکه مدل ساخته شده برای بیش از صد نفر از متخصصان ارسال شد، پنج نفر از متخصصان حوزه علوم تربیتی (اعضای هیئت علمی دانشگاه و دارای مدرک دکتری) و متخصصان علوم قرآنی (دو نفر از اعضای هیئت علمی و دارای مدرک دکتری) در تحقیق همراهی کردند و برای فهم بهتر مطالب طی رفت و برگشت‌های چندباره، اصلاحاتی صورت گرفت. عامل کلیدی دیگر در این زمینه، همگونی بررسی حاصل شده از تحلیل آیات و نکات تفسیری سوره‌های مختلف بود؛ همچنین مقایسه‌های تحلیلی، یعنی مراجعه به داده‌های خام از طریق مقایسه و ارزیابی‌های رفت و برگشتی انجام شد تا ساخت‌بندی نظریه بر همان اساس صورت گرفته باشد. در این پژوهش، در هرکدام از مراحل، با وجود اینکه مؤلفه‌ها به صورت چندباره از آیات استخراج شده بودند، برای افزایش یافتن دقت کار، دوباره به خود آیات مراجعه شد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، شناسایی اهداف، اصول و روش‌های مدیریت تربیتی سیره رسول الله (ص) براساس آیات قرآنی صورت گرفته است؛ بدین شرح که ابتدا صفات و شئون پیامبر اکرم (ص) در قرآن شناسایی و سپس آیات مرتبط با تربیت بررسی شد. صفات و شئون شناسایی شده مرتبط با شئون تربیت در جدول ۱ آمده و دیگر موارد عبارت‌اند از: خاتم النبیین (احزاب، ۲۱۴)، صورت گرفتن تعلیم از سوی خداوند متعال بر قلب پیامبر (نساء، ۲۱۴)، وحی به پیامبر (انعام، ۵۰-۵۱؛ شوری، ۳-۴ و ۵۲)، تیسیر قرآن به زبان پیامبر (ص) (مریم، ۹۷)، شاهد و سراج منیر (احزاب، ۴۵-۴۷)، تعلیم ذکر و قرآن مبین (یس، ۶۹)، داننده حروف مقطعه قرآن (شوری، ۱-۲)، نوظهور نبودن پیامبر (احقاف، ۹)، بیعت با پیامبر به منزله بیعت با خدا (فتح، ۱۰)، جایگاه رفیع پیامبر (معراج) (اسراء، ۱)، رسول و مرسَل (بقره، ۵۲؛ آل عمران، ۱۴۴؛ یس، ۳؛ فتح، ۲۹؛ بینه، ۱-۲)، دارای رحمت برای عالمین (انبیاء، ۱۰۷)، حرص و اهتمام به هدایت مردم (توبه، ۱۲۸) و برخورداری از خلق عظیم (قلم، ۲-۴).

در ادامه، آیات حاوی صفات و شئون مرتبط با تعلیم و تربیت پیامبر مانند مُنذِر بودن، مُبَشِّر بودن، مُذَكَّر بودن، اسوۀ حَسَنه بودن، و موارد مرتبط با رشد و تعلیم همچون تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت، و تزکیه شناسایی شدند و تحلیل دقیق آن‌ها صورت گرفت. یافته‌های این بخش، ذیل سه مضمون فراگیر اهداف غایی، اصول، و روش‌های مدیریت تربیتی طبقه‌بندی شدند که در ادامه، آن‌ها را به صورت مختصر شرح می‌دهیم:

جدول ۱. کدگذاری و طبقه‌بندی مضامین پایه تا فراگیر اهداف غایی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌یافته	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده (کد مفهوم)
اهداف غایی مدیریت تربیتی	هدایت هدف غایی	هدایت، خروج از ظلمت به سمت نور	نساء، ۱۱۵؛ مائده، ۱۶؛ ابراهیم، ۴؛ نحل، ۳۶، ۶۴، ۸۹ و ۱۲۵؛ اسراء، ۱۵؛ زمر، ۴۱
	ابلاغ (اتمام حجت) هدف واسط	رساندن پیام، بلاغ وظیفه پیامبر، اتمام حجت با همگان	بقره، ۱۹۶ و ۲۳۵؛ آل عمران، ۲۰؛ مائده، ۶۷، ۹۲ و ۹۹؛ انعام، ۱۹ و ۱۰۷؛ اعراف، ۶۲، ۶۸، ۷۹ و ۹۳؛ توبه، ۶؛ هود، ۵۷؛ رعد، ۴۰؛ ابراهیم، ۵۲؛ نحل، ۳۵ و ۸۲؛ نور، ۵۴؛ عنکبوت، ۱۸؛ احزاب، ۳۹؛ شوری، ۴۸؛ احقاف، ۲۳ و ۳۵؛ تغابن، ۱۲؛ جن، ۲۳

در این بخش، بعد از کدگذاری اولیه آیات، مضمون‌های پایه هدایت و خروج از ظلمت به سمت نور، و مضمون‌های پایه رساندن پیام، بلاغ و وظیفه پیامبر و اتمام حجت با همگان به دست آمد که به صورت مضامین سازمان‌یافته هدایت هدف غایی و ابلاغ هدف واسط برای تحقق یافتن هدایت انتزاع شدند و طبقه‌بندی آن‌ها در انتزاع سطح بالاتری به عنوان مضمون فراگیر اهداف غایی مدیریت تربیتی صورت گرفت.

جدول ۲. کدگذاری و طبقه‌بندی مضامین پایه تا فراگیر اصول مدیریت تربیتی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده (کد مفهوم)
اصول مدیریت تربیتی	انذار (بیدارکردن)	مُنذِر بودن پیامبر، موارد انذار، شرایط انذار، آثار انذار	بقره، ۱۱۹ و ۲۱۳؛ نساء، ۱۶۵؛ مائده، ۱۹؛ انعام، ۱۹، ۴۸، ۵۱ و ۹۲؛ اعراف، ۲، ۶۳ و ۱۳۰؛ اعراف، ۶۹، ۱۸۴ و ۱۸۸؛ یونس، ۲؛ هود، ۲ و ۱۲؛ رعد، ۷؛ ابراهیم، ۴۴؛ حجر، ۸۹؛ نحل، ۲؛ کهف، ۲ و ۵۶؛ مریم، ۹۷؛ انبیاء، ۴۵؛ حج، ۴۹؛ فرقان، ۱ و ۵۶؛ شعراء، ۱۹۴ و ۲۱۴؛ نمل، ۹۲؛ عنکبوت، ۵۰؛ سجده، ۳؛ احزاب، ۴۵؛ سبأ، ۴۶؛ فاطر، ۲۳ و ۲۴؛ یس، ۶، ۱۰-۱۱ و ۷۰؛ ص، ۴؛ غافر، ۱۸؛ فصلت، ۳ و ۱۳؛ شوری، ۷؛ احقاف، ۹؛ فتح، ۸؛ ذاریات، ۵۰؛ نجم، ۵۶؛ ملک، ۲۶؛ مدثر، ۲؛ نازعات، ۴۵؛ لیل، ۱۴
	تذکر (یادآوری)	مُدَّکِّر بودن پیامبر، ذکر عامل انذار، یادآوری وظیفه پیامبر	انعام، ۷۰؛ سجده، ۱۵؛ ق، ۴۵؛ ذاریات، ۵۵؛ طور، ۲۹؛ اعلیٰ، ۹-۱۰؛ غاشیة، ۲۱
	بشارت و استقامت	مُبَشِّر بودن پیامبر، تبشیر مؤمنین، استقامت در راه	بقره، ۲۵، ۱۱۹، ۱۵۵، ۲۱۳ و ۲۲۳؛ مائده، ۱۹؛ انعام، ۴۸؛ اعراف، ۱۸۸؛ توبه، ۱۱۲؛ یونس، ۲؛ هود، ۲؛ اسراء، ۱۰۵؛ کهف، ۲ و ۵۶؛ مریم، ۹۷؛ حج، ۳۴ و ۳۷؛ فرقان، ۵۶؛ احزاب، ۴۵ و ۴۷؛ سبأ،

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده (کد مفهوم)
			۲۸؛ یس، ۱۱؛ فصلت، ۴؛ الفتح، ۸؛ صف، ۱۳
	رجوع به منبع	وجود نبوت، وجود کتاب جهت حکم دادن برای نبی، وجود حکم از کتاب، حکم دادن	آل عمران، ۷۹؛ انعام، ۸۹؛ عنکبوت، ۲۷؛ حدید، ۲۶؛ جاثیه، ۱۶
	اسوه سازی	اسوه حسنه بودن پیامبر	احزاب، ۲۱؛ ممتحنه، ۶

در این بخش، مضامین پایه مُنذرِبودن پیامبر، موارد انذار، شرایط انذار و آثار انذار، ذیل مضمون سازمان دهنده انذار (بیدار کردن) طبقه بندی شدند؛ همچنین مضامین پایه مذکرِبودن پیامبر، ذکر عامل انذار و یادآوری و وظیفه پیامبر ذیل مضمون سازمان دهنده تذکر (یادآوری)، مضامین پایه میسرِبودن پیامبر، تبشیر مؤمنین و استقامت در راه ذیل مضمون سازمان دهنده بشارت و استقامت، مضامین پایه وجود نبوت، وجود کتاب جهت حکم دادن برای نبی، وجود حکم از کتاب، و حکم دادن ذیل مضمون سازمان دهنده رجوع به منبع و مضمون پایه اسوه حسنه بودن پیامبر ذیل مضمون سازمان دهنده اسوه سازی طبقه بندی شدند. در انتزاع سطح بالاتر، این مضامین سازمان دهنده به مضمون فراگیر اصول مدیریت تربیتی ارتقا یافتند و طبقه بندی شدند.

جدول ۳. کدگذاری و طبقه بندی مضامین پایه تا فراگیر روش های مدیریت تربیتی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده (کد مفهوم)
مدیریت تربیتی	تلاوت آیات یا انتقال روش های	پیامبر تلاوت کننده	بقره، ۴۴، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۵۲؛ آل عمران، ۹۳، ۵۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۳ و ۱۶۴؛ نساء، ۱۲۷؛ مائده، ۱ و ۲۷؛ انعام، ۱۵۱؛ اعراف، ۱۷۵؛ انفال، ۲ و ۳۱؛ یونس، ۱۵، ۱۶، ۶۱ و ۷۱؛ هود، ۱۷؛ رعد، ۳۰؛ اسراء، ۱۰۷؛ کهف،
	حقایق	آیات، تلاوت و عینی کردن، به رؤیت درآوردن، آیه محل مشاهده فعل الهی، مأواگرفتن در حقایق، رؤیت حقایق	

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده (کد مفهوم)
			۲۷ و ۸۳؛ مریم، ۵۸ و ۷۳؛ حج، ۳۰ و ۷۲؛ مؤمنون، ۶۵-۶۷ و ۱۰۵؛ شعراء، ۶۹؛ نمل، ۹۱-۹۲؛ قصص، ۳، ۴۵، ۵۳ و ۵۹؛ عنکبوت، ۴۵، ۴۸ و ۵۱؛ لقمان، ۶-۷؛ احزاب، ۳۴؛ سبأ، ۳؛ فاطر، ۲۹-۳۰؛ صافات، ۳؛ زمر، ۷۱؛ جاثیه، ۶-۸ و ۲۵ و ۳۱؛ احقاف، ۷؛ جمعه، ۲؛ طلاق، ۱۰-۱۱؛ قلم، ۱۵؛ مطفین، ۱۳؛ بینه، ۲
		پیامبر تزکیه‌کننده افراد، تزکیه (پاک‌سازی) و رشد آل عمران، ۷۷ و ۱۶۴؛ نساء، زکات، پاک‌شدن، ۴۹؛ نور، ۲۱؛ فاطر، ۱۸؛ رشدونمو زیاد، خارج کهف، ۱۹ و ۸۱؛ مریم، ۱۳؛ ۱۹، ۳۱ و ۵۵؛ مؤمنون، ۴؛ سالم نجم، ۳۲؛ جمعه، ۲؛ النازعات، ۱۸؛ عبس، ۳ و ۷؛ اعلیٰ، ۱۴؛ شمس، ۹؛ لیل، ۱۷-۱۸	
	تعلیم‌دهنده	پیامبر	البقره، ۷۹، ۸۵، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۴۶، ۱۲۹، ۱۵۱، ۱۵۹، ۲۱۳، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۹ و ۲۸۲؛ علق، ۵؛ آل عمران، ۲۳، ۲۴، ۴۸، ۷۸، ۷۹، ۱۶۴ و ۱۸۴؛ نساء، ۴۷، ۱۱۳، ۱۲۷ و ۱۳۶؛ انعام، ۸۹، ۹۱، ۱۱۴ و ۱۵۷؛ اعراف، ۳۷؛ یوسف، ۱؛
	تعلیم و کتاب	کتاب، علم و تعلیم، کتاب و رجوع به کتاب	

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده (کد مفهوم)
			رعد، ۱-۳ و ۳۶-۳۹؛ حجر، ۱؛ نحل، ۶۴ و ۸۹؛ اسراء، ۲ و ۵۸؛ کهف، ۱-۲؛ مریم، ۱۲؛ لقمان، ۲-۶؛ صافات، ۱۱۷؛ غافر، ۳۵؛ شوری، ۱۷؛ شوری، ۲-۴؛ زخرف، ۲-۴؛ دخان، ۲-۳؛ حدید، ۲۵-۲۶؛ جمعه، ۲
	تعلیم حکمت	پیامبر و تعلیم‌دهنده حکمت، علم و تعلیم، حکم، حکمت	بقره، ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱ و ۲۶۹؛ آل عمران، ۷، ۴۸ و ۱۶۴؛ نساء، ۱۱۳ و ۱۲۵؛ اسراء، ۳۹؛ ص، ۲۰؛ زخرف، ۶۳؛ قمر، ۵؛ جمعه، ۲

در این بخش، مضامین پایه، شامل پیامبر تلاوت‌کننده آیات، تلاوت و عینی‌کردن، به رؤیت درآوردن، آیه محل مشاهده فعل الهی، مأواگرفتن در حقایق و رؤیت حقایق ذیل مضمون سازمان‌یافته تلاوت آیات یا انتقال حقایق، مضامین پایه پیامبر تزکیه‌کننده افراد، زکات، پاک‌شدن، رشد و نمو زیاد و خارج کردن ناسالم از متن سالم ذیل مضمون سازمان‌دهنده تزکیه (پاک‌سازی) و رشد، مضامین پایه پیامبر تعلیم‌دهنده کتاب، علم و تعلیم، کتاب و رجوع به کتاب ذیل مضمون سازمان‌دهنده تعلیم کتاب و مضامین پایه پیامبر تعلیم‌دهنده حکمت، علم و تعلیم، حکم و حکمت ذیل مضمون سازمان‌دهنده تعلیم حکمت دسته‌بندی شدند. در انتزاع سطح بالاتر، این مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضمون فراگیر روش‌های مدیریت تربیتی طبقه‌بندی شدند.

۱. اهداف غایی موردنظر از مدیریت تربیتی

منظور از هدف، مقصود و غایت نهایی از انجام‌دادن یک کار است. هر عملی به هدف نیاز دارد و بنابراین، پرداختن به اهداف به‌ویژه برای مدیریت و برنامه‌ریزی، لازم است. اهمیت این موضوع، زمانی به‌چشم می‌آید که در نظر بگیریم در صورت تغییر یافتن اهداف، برنامه‌ها

و نحوه مدیریت نیز تغییر خواهند کرد. با توجه به مضامین سازمان دهنده و فراگیر مطرح شده، اهداف غایی مورد نظر از مدیریت تربیتی را چنین می توان شرح داد:

۱-۱. هدایت

با توجه به آیات و در پی مشاهده نقش و جایگاه پیامبر (ص) در حوزه تعلیم و تربیت، هدایت به عنوان هدف غایی پیامبر (ص) مشاهده شد. به طور کلی، هدایت و ضلالت، هردو به مشیت خداوند متعال بستگی دارند. هدایت به معنای نشان دادن راه، هدایت همه افراد انسان را شامل می شود؛ ولی هدایت به معنای رسانیدن به مطلوب، مختص کسانی است که در صدد تحصیل آن برمی آیند، می خواهند از این موهبت الهی بهره مند شوند و به سبب فسق و فجور، کفر و عناد از راهشان منحرف نشوند (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۷، ص. ۴۳۱-۴۳۳). هدایت یعنی از ظلمت به سمت نور حرکت کردن و وارد شدن در نور (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۲، ص. ۵-۹).

۲-۱. ابلاغ یا اتمام حجت

از آنجا که خداوند متعال به انسان، اختیار و استطاعت پذیرش حق را داده است، انسان در اراده کردن هدایت یا ضلالت، مختار است (انعام، ۱۰۷). هدف دیگر پیامبر، ابلاغ (رساندن) پیام هدایت است (ابراهیم، ۱)؛ از این روی، اتمام حجت بر مردم صورت می گیرد و کسی نمی تواند بهانه بیاورد که حق به او نرسیده است (نحل، ۳۵).

ابلاغ کردن پیام از سوی خدا به مردم، یکی از وظایفی است که توسط آن، پیامبر (ص) انذار و تبشیر می دهد و دعوت عمومی ایشان به وسیله این تبلیغ و ابلاغ به مردم می رسد. پیامبر رسالت الهی را با بلاغی آشکار ابلاغ و بدین صورت، حجت را بر مشرکان تمام می کند؛ زیرا تنها وظیفه پیامبر، ابلاغ آشکار، انذار، تبشیر و تذکر است و انذار، بشارت و تذکر، ذیل همان بلاغ صورت می گیرد (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۲، ص. ۳۵۰-۳۵۳).

با توجه به موارد یاد شده و شاهد قرارداد آیات پنجم و ششم سوره مبارکهٔ مرسلات، فرشتگان ذکر را تلاوت می کنند تا حجت خداوند متعال در برابر بندگان و عقاب ایشان تمام باشد و معلوم شود عقاب بندگان جز به وجه حکمت نبوده است. برگشت این معنا هم به همان اتمام حجت است؛ پس حاصل معنای آیه، این است که

فرشتگان ذکر را القا می‌کنند تا حجت بر تکذیب‌گران تمام شود و تهدیدی برای غیر ایشان باشد (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۳۶)؛ بنابراین، پیامبر یا هدایت می‌کند و انذارش قبول می‌شود و یا اتمام حجت می‌کند که دیگر عذری در برابر او پذیرفته نیست.

با توجه به این مطالب، هدف غایی از مدیریت تربیت، هدایت است و هدف دوم از آن، ابلاغ پیام و اتمام حجت. هدایت از طریق ابلاغ پیام صورت می‌گیرد که به انذار، تبشیر و تذکر مخاطبان می‌انجامد. در واقع، در ابلاغ، حجت تمام می‌شود. در مقابل ابلاغ یا پذیرش رخ می‌دهد و یا دوری و سرباززدن. در مدیریت تربیتی نیز این هدف، مورد نظر است تا کسی متعرض نشود که مسیر هدایت برایش واضح نبوده است، و همه افراد از پیام‌های هدایتی برای رسیدن به حیات طیبه و کمال خویش برخوردار باشند.

۲. اصول مدیریت تربیتی

اصول حاکم بر مدیریت تربیتی را می‌توان در قالب مقوله‌های انذار (بیدار کردن)، تذکر، تبشیر و استقامت، رجوع به منبع و اسوه‌سازی طبقه‌بندی کرد.

۲-۱. انذار (بیدار کردن)

بر اساس مفاد آیات قرآن کریم، انذار به معنی بیدار کردن و ایجاد هشجاری است (انعام، ۱۹). خداوند متعال رسولانش را برای هدایت مردم فرستاده است تا کسی در قیامت نتواند مدعی شود رسولی برایش نیامده بوده و در نتیجه، انذار و تبشیر درباره او صورت نگرفته است (یس، ۶۹-۷۰). انذار نقطه شروع حرکت رشدی انسان و اتمام حجت برای کسانی است که رسالت رسول را درمی‌یابند؛ ولی از او اعراض می‌کنند. دعوت نبوت از طریق تخویف آغاز می‌شود و این، خود در فهم عامه مردم، مؤثرتر از تطمیع است (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۷، ص. ۵۰-۵۳). زنده بودن دل و خشیت (ترس) داشتن از قیامت، از جمله مقدمات لازم برای پذیرش انذار صورت گرفته از سوی رسول است (نازعات، ۴۵) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۳۲۰).

یکی از اصول مدیریت تربیتی به منظور سرعت بخشی و جهت‌دهی مناسب به این مقوله، انذار (بیدار کردن) است. در نظام آموزشی باید از انذار برای بیدار و هشیار کردن مرتبی استفاده شود و لازمه این بیدار و هشیار کردن، وجود داشتن خشیت و زنده دلی در انسان است که از مقدمات تأثیر اصل انذار به‌شمار می‌آید. تا وقتی این بیداری و

هشیاری تحقق نیابد، بقیه مراحل تربیت، عملی نمی‌شود. این بیداری به فعال شدن بقیه قوای درونی انسان و از جمله تفکر و تعقل خواهد انجامید (اخوت، ۱۳۹۳).

۲-۲. تذکر (یادآوری)

علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۱ از سوره مبارکه غاشیه، وظیفه پیامبر را تذکر دادن دانسته و گفته است:

وقتی معلوم شد خدای سبحان، رب ایشان است و رب دیگری سواى او ندارند، و نیز معلوم شد که در پیش‌رو، یوم‌الحساب و یوم‌الجزا را دارند که در آن روز، مؤمن و کافرشان جزا داده می‌شوند، پس تو ای پیامبر! ایشان را به این حقایق تذکر بده که وظیفه تو - که پیامبر خدایی - تنها همین تذکر دادن است. به امید اینکه دعوت را اجابت کنند و به طیب خاطر و بدون اکراه و اجبار ایمان آورند! (غاشیه، ۲۱) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۴۶۰).

هدف پیامبر از تذکر دادن، یادآوری آنچه انسان از آن آگاهی دارد و ایمان آوردن اختیاری انسان‌هاست.

اصل دوم مدیریت تربیتی، بیانگر این مسئله است که باید تذکر و یادآوری در خصوص انسان صورت گیرد. انسان در وجود خود، توحید را می‌شناسد و از آن آگاه است. فقط باید این مسئله برایش یادآوری شود که متوجه آن باشد و بدین ترتیب، به صورت اختیاری در مسیر هدایت و ایمان قرار گیرد. در نظام آموزشی، تذکر دادن به انسان‌ها لازم است تا آنان از غفلت و فراموشی دور شوند و راه خدا را به یاد آورند و در نتیجه، به او متصل شوند. این وصل دائمی به خداوند متعال، انسان را در مسیر الهی قرار می‌دهد و در مقابل، غفلت و بی‌توجهی، مرتبی را از غایت تربیتی و هدایتی خدا دور می‌کند.

۲-۳. تبشیر و استقامت

در آیات متعدد، انذار و تبشیر، وظیفه پیامبر دانسته شده و علامه طباطبایی درباره این مسئله گفته است:

منظورمان از آن چیزی که وحی کردیم، انذار و تبشیر است. پس آن وحی نسبت به عموم مردم، انذار و خصوصاً نسبت به کسانی که از میان عموم ایمان آورده‌اند، بشارت است؛ پس به هر حال، این کتاب در بعضی از احتمالات به ضرر مردم است

و آن احتمال عبارت است از اینکه مردم نسبت به آن کفر بورزند و از دستوراتش عصیان کنند، و در بعضی از احتمالات به نفع مردم است و آن عبارت است از اینکه مردم به آن ایمان آورده، دستوراتش را اطاعت کنند (یونس، ۲) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۰، ص. ۸).

یکی از وظایف پیامبر، بشارت دادن به مؤمنان است و این بشارت، موجب استقامت مؤمنان در راهشان می شود. ایمان، عاملی است که انسان را مستوجب بشارت می کند. یکی از اصول مدیریت تربیتی، استمرار و استقامت است. بعد از بیدار کردن و یادآوری، انسان باید در مسیری که براساس اختیار برگزیده است، استقامت ورزد تا ایمانش به نتیجه برسد که از طریق بشارت دادن به او تحقق می یابد؛ بنابراین، در مدیریت تربیتی باید زمینه استقامت متربیان از طریق تأیید مسیر حرکتی آنها و انطباق این مسیر بر حق فراهم آید و گاه باید از تشویق کردن و وعده های ترغیب کننده استفاده کرد.

۲-۴. رجوع به منبع

از نظر علامه طباطبایی، پیامبر کسی است که مجهز به احکام، کتاب، قوانین و حقایق باشد و به سبب این تجهیز، مرجعی برای رفع اختلاف ها شود:

پیامبر به دلیل حکم و کتاب و نبوتشان محل رجوع هستند. داشتن حکم و قانون در هر موردی بسیار مهم است. منظور اصلی از وحی و خطاب به رسول، همان معانی و دستوراتی است که مردم از رسول خدا ضمن تلاوت ایشان می گیرند. پیامبر مجهز به احکام، کتاب، قوانین و حقایق و نحوه خواندن آنهاست و از اخبار غیبی آگاه می باشد که در اختیار مردم قرار داده است (انعام، ۸۹) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۷، ص. ۳۵۰-۳۵۱).

درواقع، پیامبر به سبب داشتن این ویژگی ها محل رجوعی برای همگان است و خود برای انجام دادن کارها به حکم و کتاب رجوع می کرد؛ پس در هر کاری باید به منبع رجوع کرد. اصل دیگری که باید در مدیریت تربیتی به آن توجه کرد، رجوع به منبع است. برای مدیریت در تربیت باید به منبعی دارای قوانین، احکام و اخبار غیبی رجوع کرد تا از این طریق بتوان در مسیر هدایت، گام برداشت. برای دستیابی به تربیت در این دنیای متغیر باید ثابت هایی وجود داشته باشند که سرچشمه اعمال قرار گیرند؛ بنابراین باید به

کتاب، حکم و نبوت رجوع کرد تا بهترین و سریع‌ترین راه‌ها در دسترس متریبان قرار گیرد.

۲-۵. اسوه‌سازی

علامه طباطبایی در توضیح اسوه‌بودن پیامبر فرموده‌اند:

کلمه «أسوه» به معنای اقتدا و پیروی است و معنای «فِي رَسُولِ اللَّهِ» یعنی در مورد رسول خدا (ص). و اسوه در مورد رسول خدا (ص) عبارت است از پیروی او و اگر تعبیر کرد به «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» شما در مورد رسول خدا (ص) تأسی دارید» که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می‌کند، برای این است که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است و شما همیشه باید به آن جناب تأسی کنید. و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا (ص) و ایمان آوردن شما این است که به او تأسی کنید هم در گفتارش و هم در رفتارش. و شما می‌بینید که او در راه خدا چه مشقت‌هایی تحمل می‌کند و چگونه در جنگ‌ها حاضر شده، آن طور که باید، جهاد می‌کند. شما نیز باید از او پیروی کنید (احزاب، ۲۱) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۶، ص. ۴۳۲).

یکی از اصول مدیریت تربیتی، داشتن اسوه‌هایی است که بتوان با رؤیت خصایص ایشان، مسیر حرکت را راحت‌تر، روشن‌تر و سریع‌تر ادامه داد. همان‌گونه که پیامبران، اسوه حسنه برای همگان هستند، در هر مرتبه و موقعیت، وجود اسوه‌ای لازم است تا متریبان با مشاهده خصایص آنان به راه راست هدایت شوند. یکی از اصول مدیریت تربیتی، اسوه‌سازی است تا جامعه از مشاهده اسوه، محروم نباشد.

۳. روش‌های مدیریت تربیتی

در قرآن کریم، در سوره مبارکه بقره (۱۲۹ و ۱۵۱)، آل عمران (۱۶۴) و جمعه (۲)، درباره چهار روشی سخن گفته شده است که پیامبران از آنها برای هدایت مردم استفاده کرده و توسط آنها انسان‌ها را از ضلالت و ظلمت بیرون آورده و به هدایت و نور رسانده‌اند. در این پژوهش، آیه دوم از سوره مبارکه جمعه به عنوان محور روش‌های تربیتی - آموزشی پیامبر در نظر گرفته و براساس آن، چهار روش احصا شد: تلاوت آیات، تزکیه، تعلیم کتاب و تعلیم حکمت؛ سپس در پی بررسی کل آیات قرآن کریم با

استفاده از این واژگان، آیاتی ذیل هر روش انتخاب شدند؛ همچنین دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در خصوص این آیات بررسی شد تا معنای آن‌ها روشن شود. در ادامه، بعضی آیات به‌عنوان نمونه، ذیل هر روش بیان شده‌اند:

۳-۱. تلاوت آیات (انتقال حقایق)

در قرآن کریم، در مواضع متعدد به پیامبر امر شده است که آیات را تلاوت کند. علامه طباطبایی تلاوت آیات از سوی پیامبر را چنین معنا کرده‌اند:

وجود پیامبر اسلام برای تلاوت آیات خداوند، نعمتی دانسته شده است که خداوند با ارسال ایشان به مردم داده است. انسان نسبت به این موضوع باید علم داشته باشد تا از آنچه که خداوند ارسال نموده است، بتواند استفاده کند و منظور از آیات در اینجا خود قرآن است (بقره، ۱۵۱) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۴۹۶). کلمه «تلاوت» که صیغه امر «اتل» از آن گرفته شده، از ماده «ت-ل-و» است که به معنای واقع شدن چیزی دنبال چیز دیگر است و اگر خواندن را تلاوت گفته‌اند، به این جهت است که خواننده یک داستان، الفاظ آن داستان را یکی پس از دیگری و در «تلو» و یا در دنبال هم می‌آورد و می‌خواند (مائده، ۲۷) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۵، ص. ۴۸۶). مقصود از آیات و تلاوت آن، یادآوری هر چیزی است که شأنی از شئون خدای- تعالی- را حکایت می‌کند (مریم، ۵۸) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۱۰۳).

نتیجه تلاوت آیات قرآن در انسان می‌تواند هدایت باشد که به نفع اوست و نشانه انسان هدایت شده، افزایش یافتن خشوع و خضوع در وی است. واکنش تسلیم‌شدگان و ایمان‌آوردندگان به خدا در برابر تلاوت آیات قرآن برایشان، تصدیق حقایق این آیات از جانب پروردگار است. در پی تلاوت کتاب و آیات، رحمت و ذکر برای ایمان‌آوردندگان جاری می‌شود و تلاوت آیات از سوی حضرت رسول (ص)، خروج مؤمنان از ظلمات به سمت نور را به دنبال دارد و هدایت را در انسان ایجاد می‌کند.

یکی از اولین روش‌های مدیریت تربیتی، تلاوت آیات، یعنی عینی کردن آن‌ها برای متریبان است تا آیات در زندگی، قابل رؤیت و استفاده باشند.

۳-۲. تزکیه (پاک‌سازی) و رشد

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تزکیه را چنین معنی کرده است:

کلمه «تزکیه» به معنای تربیت و رشد دادن چیزی است به نحو شایسته (آل عمران، ۷۷) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۴۱۸) که مصدر «یُزَكِّیهِمْ» است، مصدر باب تفعیل است و مصدر ثلاثی مجرد آن، «زکات» است که به معنای نمو صالح است؛ نموی که ملازم خیر و برکت باشد؛ رویدن و رشد گیاه است به رشدی صالح و پربرکت و ثمربخش، و کلمه «تزکیه» به معنای رویندن آن است (شمس، ۹) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۵۰۰-۵۰۱)؛ پس تزکیه آن جناب، مردم را به معنای آن است که ایشان را به نموی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند؛ در نتیجه، در انسانیت خود به کمال برسند و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد، سعید زندگی کنند و سعید بمیرند (جمعه، ۲) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۹، ص. ۴۴۷). و کلمه «تَزَكَّى» به معنای رشد و نمو به نمای صالح است و در انسان به این است که با اعتقاد حق و عمل صالح زندگی کند (طه، ۷۶) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۲۵۵). اگر فضل و رحمت خدا به شما نبود، هیچیک از شما ابداً تزکیه و پاک نمی شد؛ چون افاضه کننده خیر و سعادت، تنها خدای سبحان است. خدای - تعالی - هر که را بخواهد، تزکیه می کند؛ پس امر منوط به مشیت او است و مشیت او تنها به تزکیه کسی تعلق می گیرد که استعداد آن را داشته و به زبان استعداد، آن را درخواست کند؛ یعنی خدا شنوای خواسته کسی است که تزکیه را به زبان استعداد درخواست کند و دانا به حال کسی است که استعداد تزکیه را دارد (النور، ۲۱) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۳۴).

تزکیه (پاک سازی)، دومین روش مدیریت تربیتی است. پیامبر انسان ها را تزکیه می کند تا ناپاکی ها از وجودشان رخت بریندد و رشد و نمو متناسب با این افراد در آن ها ایجاد شود و بدین صورت، آنان به رشدی فزاینده دست یابند؛ بنابراین، در مدیریت تربیتی، بعد از انتقال یافتن حقایق از طریق تلاوت آیات، باید پاک سازی و رشد و نمو صورت گیرد؛ به گونه ای که از هر متربی، خیرات و برکات فراوان ظهور یابد. در وهله نخست، ضمیر این فرد باید پاک باشد تا سپس هر چه او تعلیم می بیند، بر جانش بنشیند و عمل صالح به بیشترین میزان از وی صادر شود.

۳-۳. تعلیم کتاب

از نگاه علامه طباطبایی، معنی تعلیم و کتاب بدین شرح است:

معنی تعلیم، آموزش آنچه که انسان نمی‌داند، است. خداوند انسان را از آنچه نمی‌داند و به آن احاطه ندارد و برایش واضح نیست، آگاه می‌سازد. شأن پیامبر در این مقام، تنها و تنها تعلیم کتاب است و تعلیم عبارت از هدایت معلمی خبیر نسبت به ذهن متعلم است و کارش این است که ذهن متعلم را به آن معارفی که دستیابی به آن برایش دشوار است، ارشاد کند. و نمی‌توان گفت تعلیم عبارت از ارشاد به فهم مطالبی است که بدون تعلیم، فهمیدنش محال باشد؛ برای اینکه تعلیم، آسان کردن راه و نزدیک کردن مقصد است؛ نه ایجاد کردن راه و آفریدن مقصد. معلم در تعلیم خود می‌خواهد مطالب را جوری دسته‌بندی شده تحویل شاگرد دهد که ذهن او آسان‌تر، آن را دریابد و با آن مأنوس شود و برای درک آن‌ها در مشقت دسته‌بندی کردن و نظم و ترتیب دادن قرار نگرفته، عمرش و موهبت استعدادش هدر نرفته و احیاناً به خطا نیفتد (آل عمران، ۷) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۳۱-۱۳۲).

کتاب هرچند برحسب اطلاق متعارفش مستلزم نوشتن با قلم بر روی کاغذ است؛ ولیکن از آنجایی که پیمان‌ها و فرامین دستوری به وسیله کتابت و امضا انجام می‌شود، از این جهت، هر حکم و دستوری را هم که پیرویش واجب باشد و یا هر بیان و بلکه هر معنای غیر قابل نقض را هم کتاب خوانده‌اند، جمله «وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» دلالت داشت بر اینکه شرایع به وسیله کتاب تشریح شده (بقره، ۲۱۳) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۹۰-۱۹۱). مراد از دادن کتاب و حکم، فرستادن شرایع دین و حکم کردن برطبق آن‌ها میان مردم خواهد بود. در کلام خدای - تعالی - هم جریان یافته و در قرآن کریم به وحی انبیا و مخصوصاً آن وحیی که متضمن شریعت است، اطلاق «کتاب» شده و همچنین در آن، حقیقت آسمانی‌ای که حوادث و وقایع جاری را ضبط می‌کند، استعمال شده است (انعام، ۸۹) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۷، ص. ۳۵۰-۳۵۱). جمله «وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ» احتجاج به وجود معارف و احکام الهی است در بین مردم؛ چون تمامی احکام و قوانین صالح که در میان مردم جاری بوده و هست، همه به وسیله انبیا (ع) در بین آنان جریان یافته (انعام، ۹۱) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۷، ص. ۳۷۶). منظور از تعلیم

کتاب، بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشتبه آن است (جمعه، ۲) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۹، ص. ۴۴۷).

خداوند متعال معارف و اصول و فروع دین را توسط پیامبر به مردم تعلیم داده است. هر حکم و دستوری که پیروی از آن، واجب باشد یا هر بیان و معنایی که قابل نقض شدن نباشد، کتاب است. تعلیم کتاب، شامل تعلیم احکام، قوانین، دین و شریعت است که توسط پیامبر برای انسان‌ها صورت گرفته است؛ همچنین می‌توان آن را عبارت از بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشتبه آن دانست. بعد از انتقال حقایق و تزکیه و رشد، بستر متری برای تعلیم قوانین، حقایق و احکام، آماده می‌شود تا او بتواند مسیر زندگی را به وسیله آن‌ها طی کند.

۳-۴. تعلیم حکمت

از نگاه علامه طباطبایی، معنی تعلیم حکمت چنین است:

معنای تعلیم در بالا اشاره شد و در زیر به معنای حکمت پرداخته شده است: حکمت به معنای نوعی احکام و اتقان و یا نوعی از امر محکم و متقن است؛ آن چنان که هیچ رخنه و یا سستی‌ای در آن نباشد. و این کلمه بیشتر در معلومات عقلی و حق و صادق استعمال می‌شود و معنایش در این موارد، این است که بطلان و کذب به هیچ وجه در آن معنا راه ندارد (بقره، ۲۶۹) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۶۰۶). ماده «حا- کاف- میم»، ماده‌ای است که در همه مشتقاتش این معنا خوابیده که مثلاً فلان چیز که محکم است، بدین جهت محکم است که فساد در آن رخنه نمی‌کند و چیزی آن را پاره‌پاره نساخته و کار آن را مختل نمی‌سازد و همچنین احکام و تحکیم و حکم (به معنای داوری) و نیز حکمت (به معنای معرفت تامّ و علم جازم و نافع) (آل عمران، ۷) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۲۹) می‌باشند و آن، معرفتی است که برای اعتقاد و عمل آدمی، مفید باشد (آل عمران، ۴۸) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۳۰۹). نوعی از حکم است و مراد از آن، معارف حق و متقنی است که به انسان سود بخشد و به کمال برساند (ص، ۲۰) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۷، ص. ۲۸۹)؛ در نتیجه، تعلیم حکمت عبارت است از معارف حقیقتی که قرآن، متضمن آن است (جمعه، ۲) (طباطبایی و موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۹، ص. ۴۴۷).

به نحوی که انسان در هر موقعیتی می‌فهمد چه کند. این معارف توسط پیامبر به انسان آموزش داده شده است؛ بنابراین، مربی علاوه بر آشنایی با قوانین و حقایق عالم، به سطحی از معارف نیاز دارد که بتواند به صورت کاربردی از آن‌ها استفاده کند و به دیگران نیز نفع برساند.

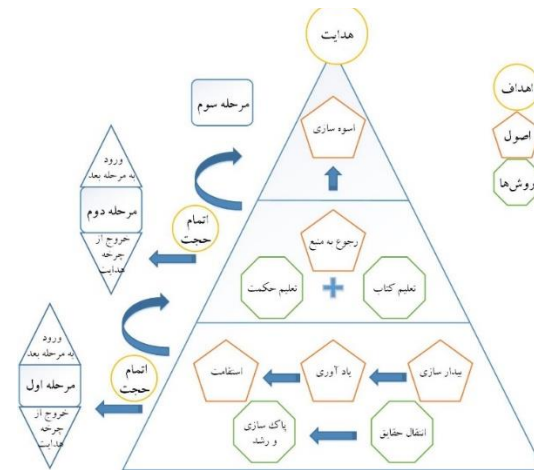
بحث و نتیجه‌گیری

برای تحقق یافتن رشد واقعی انسان‌ها برنامه‌ای جامع و همه‌جانبه لازم است که در قرآن می‌توان آن را یافت. در این پژوهش، با بررسی شئون پیامبر به عنوان اسوه معرفی شده در قرآن کریم، مدیریت تربیتی پیامبر را استخراج و تبیین کرده و بر این اساس، سیر بیدارشدن و نیاز به رشد (انذار) تا نزدیک شدن به انسان کامل (اسوه‌سازی) را در نظر داشته‌ایم. به دلیل برخوردار بودن اصول حاکم از سیر منطقی، انحرافات ساختاری کاهش می‌یابد و در عین حال، به موجب روشمندی و سلسله‌مراتبی بودن روش حاکم بر مدیریت تربیتی پیامبر، سرعت رشد و تحول افراد نیز بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد در نظام‌هایی که بر اساس این غایات، اصول و روش‌ها تنظیم شده‌اند، انحراف و خطا کاهش می‌یابد و خروجی‌هایی مطلوب‌تر حاصل می‌شود.

مضامین شناسایی شده را می‌توان در نمایی کلی و در ارتباط با یکدیگر، به صورت جدول زیر نمایش داد. در این نمای یکپارچه، اهداف، اصول و روش‌های مدیریت تربیتی در سیره پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۴. اهداف، اصول و روش‌های مدیریت تربیتی در سیره پیامبر اکرم (ص) بر مبنای قرآن کریم

اهداف غایی از مدیریت تربیتی	هدایت هدف غایی
	ابلاغ (اتمام حجت) هدف واسط
	انذار (بیدار کردن)
	تذکر (یادآوری)
	بشارت و استقامت
	رجوع به منبع
	اسوه‌سازی
روش‌های مدیریت تربیتی	تلاوت آیات یا انتقال حقایق
	ترکیه (پاک‌سازی) و رشد
	تعلیم کتاب
	تعلیم حکمت



نمودار ۱. اهداف، اصول و روش‌های مدیریت تربیتی در سیره پیامبر اکرم (ص) بر مبنای قرآن کریم

اهداف، اصول و روش‌های به‌دست‌آمده را می‌توان با نگاهی در سطح عملیاتی نظام آموزشی یا مدرسه برای به‌کارگیری به شرح ذیل بازتعریف کرد و تعمیم داد:

هدایت یعنی خارج کردن انسان از ظلمت به سمت نور؛ بنابراین، مدیر تربیتی باید به نحوی عمل کند که متریان ارتقای وجودی بیابند و به‌جای انواع ظلمت‌هایی که به صورت طبیعی در وجودشان قرار دارد، به سمت نور حرکت کنند و نورانی شوند. این، رویکرد و جهت‌گیری کلی مدیر و غایت اصلی او برای فعالیت‌کردن در نظام آموزشی و جهت‌دهی آن به این سمت است.

اتمام حجت به‌منظور تمام‌شدن حجت بر انسان صورت می‌گیرد تا او راه صحیح را طی کند و بهانه‌ای برای گوش‌ندادن به پیام حق نداشته باشد؛ بر این اساس، لازم است در برنامه مدیر تربیتی، گونه‌ای از ابلاغ پیام الهی، قرآن، و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) وجود داشته باشد تا تمام فراگیران متوجه این مسئله شوند و انتخاب راه برعهده متریان باشد. این ابلاغ، متناسب با دوره رشدی انسان‌ها، از فردی به فرد دیگر، متفاوت است.

خیام، خادمی و بختیاری (۱۳۸۹) در پژوهش خود، به مؤلفه تقرب به خداوند متعال اشاره کرده‌اند و سالاری (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خویش، از مؤلفه عبودیت خدا و اطاعت از او سخن گفته که با توجه به این موارد، از آثار و نتایج هدایت، تقرب به

خداست. شناساندن پیامبران الهی و به‌ویژه رسول‌الله (ص) (سالاری، ۱۳۹۲) نیز از اهداف مطرح‌شده‌ای است که می‌تواند همسو با هدف موردنظر از ابلاغ باشد. به‌نظر می‌رسد در پژوهش‌های سالاری (۱۳۹۲)، کشاورز (۱۳۸۵)، خیام، خادمی و بختیاری (۱۳۸۹)، بعضی مؤلفه‌ها، روش‌ها و اهداف با یکدیگر سنخیت ندارند، برخی بسیار کلی و برخی دیگر بسیار جزئی‌ترند و براساس موارد پیشنهادی این پژوهش، اهداف و روش‌ها با یکدیگر خلط شده‌اند؛ مثلاً مؤلفه تزکیه نفس (آراستگی و اتصاف به فضایل نفسانی) و عدالت و اقامه قسط (خیام، خادمی و بختیاری، ۱۳۸۹) که به‌عنوان هدف ذکر شده است، ذیل روش‌ها قرار می‌گیرد.

انذار (بیدارکردن)، اولین اصل در مدیریت تربیتی و چنان‌که پیشتر گفتیم، نخستین مرحله تربیت است؛ زیرا تا وقتی انسان بیدار نشود، نمی‌توان مراحل بعدی تربیت را از او انتظار داشت؛ از این روی، در مدیریت تربیتی، انذار اهمیت بسیار دارد و عملکرد مدیر تربیتی باید به‌گونه‌ای باشد که غفلت را از تمام سطوح آموزشی بزدايد تا افراد متوجه عاقبت و غایت خود باشند و بر آن اساس حرکت کنند؛ پس باید اصل انذار (بیدارکردن) به‌عنوان اصل اولیه در مدیریت تربیتی، موردتوجه نهادهای آموزشی قرار گیرد.

احسانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود، ایجاد فضای مناسب تربیتی، و تربیت حضوری و چهره‌به‌چهره، و فروهی و سروریان (۱۳۸۵) در پژوهش خویش، عشق و علاقه به هدایت مردم (جلوه‌ای از عشق الهی)، ابراز محبت، متانت و بردباری، تدریجی‌بودن تعلیم و تربیت، مخاطب‌شناسی و توجه به ظرفیت‌های متفاوت، ایجاد انگیزه و بستر مناسب را به‌عنوان اصول تربیتی سیره پیامبر برشمرده‌اند که بیشتر می‌توانند به‌عنوان زیراصول انذار (بیدارکردن) موردتوجه قرار گیرند. اصول توحیدمحوری، آخرت‌گرایی (حمزه‌زاده، آموزگار و بهشتی، ۱۳۸۹)، جهت و هدف داشتن، قابلیت و استعداد انسان برای دستیابی به کمال، و لزوم عمل برای تحقق‌یافتن رشد و کمال انسان (خیام، خادمی و بختیاری، ۱۳۸۹) نیز در همین راستا قرار دارند. از سوی دیگر، براساس آنچه در پژوهش‌های حمزه‌زاده، آموزگار و بهشتی (۱۳۸۹)، معینی‌پناه، محمودی و عباسی (۱۳۹۴)، محمدی (۱۳۸۷)، اسکندری (۱۳۸۵) و بلاغی (۱۳۸۸) ذکر شده است، اصل

انذار، قوه تفکر و تعقل را در فرد فعال می‌کند. در هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده، انذار و کارکرد آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی پیامبر، موردنظر نبوده است؛ درحالی که انذار، نخستین گام فعال‌سازی تفکر در انسان به‌شمار می‌آید و کارکرد اصلی آن، قراردادن حق در ساختار تفکر انسان است (اخوت، ۱۳۹۳، ص. ۳۵).

تذکر از دیگر اصولی است که باید در مدیریت تربیتی، موردتوجه قرار گیرد. تذکر دادن و یادآوری کردن بدان سبب انجام می‌شود که ایمان‌آوردن باید اختیاری باشد و نظام آموزشی می‌تواند صرفاً تذکردهنده حقایق باشد. نکته مهم در این مبحث، آن است که حق و توحید در فطرت انسان جا دارد و باید برای او در مراتب و انواع مختلف، ذکر و یادآوری صورت گیرد تا وی در مسیر هدایت، گام نهد. این اصل همراه با اصل بیدارکردن، موجب می‌شوند انسان به مسیر هدایت وارد شود. اصل دوم در مدیریت آموزشی، تذکر (یادآوری) است که به‌موجب آن، فرد بعداز برانگیخته‌شدن، در خود، آنچه را می‌دانسته است، مرور می‌کند و به‌یاد می‌آورد تا وارد مسیر هدایت شود. این اصل با پژوهش‌های محمدی (۱۳۸۷)، بلاغی (۱۳۸۸) و خیام، خادمی و بختیاری (۱۳۸۹) نیز همسویی دارد؛ بدان معنا که انسان همواره باید درحال ذکر و یادآوری باشد و این ذکر و یادآوری را برای خود بپذیرد. قرآن کریم، خود، منبع این ذکر است.

اصل سوم در مدیریت تربیتی، تبشیر و استقامت است بدان منظور که متربی در مسیری که حقانیت آن را درک و انتخاب کرده است، با عزم استوار به حرکت‌کردن ادامه دهد و تا رسیدن به نتیجه مطلوب، از حرکت بازنايستند. در پژوهش‌های محمدی (۱۳۸۷) و بلاغی (۱۳۸۸) به اصل استقامت اشاره شده و اسکندری (۱۳۸۵) نیز به این مفهوم با عنوان اصل دیربازدهی و حرکت جهشی پرداخته است. نکته مهم در پژوهش‌های بررسی‌شده، آن است که به واژه «تبشیر» به‌عنوان اصل اشاره‌ای نشده و باید به این مسئله توجه کرد که متناسب با هر دوره رشدی، محتوای انذار و تذکر و سپس تبشیر، متفاوت خواهد بود. اهمیت این موضوع، هنگامی بیشتر می‌شود که مشاهده می‌کنیم در قرآن کریم، رسول‌الله علاوه بر مُنذِر و مُذَكِّر، مُبَشِّر نیز خوانده شده است.

همه قسمت‌های نظام آموزشی باید براساس حقایقی عمل کنند که از طریق قرآن به انسان رسیده است و رجوع به منبع در هر حالتی باید جزء اصول تربیت باشد. رجوع

به منبع و قوانین در هر کاری لازم است؛ زیرا در غیر این صورت، اختلاف پیش می‌آید و برای حل کردن اختلاف‌ها نیز راهی وجود ندارد. اصل چهارم در مدیریت تربیتی، رجوع به منبع به‌عنوان علم‌داشتن به حقایق و قوانین هر کاری است که باید مورد نظر مدیر تربیتی قرار گیرد؛ حال آنکه در پژوهش‌های صورت‌گرفته، از این اصل غفلت شده است. دلیل عمده این غفلت، توجه نکردن پژوهشگران به مفهومی به‌نام «کتاب» است که در قرآن، در قالب‌های متفاوت، از نزول کتاب گرفته تا مرجع حکم، دارای قوانین و حل‌کننده اختلاف‌ها بودن بیان شده است؛ درعین حال، قرآن، کتابی است در دست هادی که می‌تواند حکم‌هایی را که انسان درصدد به‌دست آوردن آن‌هاست، به او برساند (اخوت، ۱۳۹۶، ص. ۷۰).

رجوع به منبع، یکی از موارد ضروری در وجود هر انسان برای هر عملی است که او انجام می‌دهد؛ بنابراین، در نظام آموزشی بر شیوه رجوع به منبع، آگاهی از احکام و قوانین و حقایق هستی، و استفاده از آن‌ها تأکید می‌شود که در موضوعات و دوره‌های رشدی، متفاوت است.

پیامبر باید در همه شئون، اسوه عملکرد انسان باشد. به‌طور کلی، اسوه‌داشتن برای انسان در زندگی ضرورت دارد و لازم است نظام آموزشی در مسیر اسوه‌سازی برای دوره‌های مختلف رشد، گام بردارد. انسان‌ها با مشاهده اسوه، مسیر کمال را سریع‌تر و راحت‌تر می‌پیمایند. اصل پنجم در مدیریت تربیتی، اسوه‌سازی به‌منظور مشاهده فردی است که بتوان با درس گرفتن از زندگی او مسیر حرکت را طی کرد و از بیراهه رفتن، مصون باقی ماند. از طریق معرفی انسان‌های اسوه در زمان معاصر که در واقع، رسول‌الله (ص) اسوه آنان بوده‌اند و نیز معرفی اصول زندگی ایشان می‌توان در مسیر ملموس کردن این موارد برای متربیان، گام برداشت.

تلاوت، نخستین مرحله از تقسیم‌شدن انسان‌ها به دو دسته است و اگر انسان‌ها در این مرحله، آیات را نشنوند، وارد فرایند تزکیه و تعلیم نخواهند شد؛ زیرا تزکیه یعنی خارج کردن بدی‌ها از متن سالم که احتیاج به پذیرش اولیه و تعلیم کتاب و حکمت به‌عنوان رجوع به خوبی‌ها و پرکردن درون بعد از خالی شدن آن از بدی‌ها رخ می‌دهد که همه این‌ها بعد از تلاوت آیات و مأواگرفتن انسان در آن‌ها برای روی آوردن به حق

اتفاق می‌افتد؛ در نتیجه، بعد از آن، رشد و نمو صورت می‌گیرد و نحوه رجوع به کتاب و به‌کار بستن حقایق در زندگی، روشن می‌شود. در مدیریت تربیتی باید این باور وجود داشته باشد که هریک از روش‌های مطرح و استخراج‌شده از قرآن، دارای غنای بسیار زیاد است که کاربردی کردن آن‌ها باعث ارتقای نظام تربیتی خواهد شد. صبر، حوصله و برنامه‌ریزی مرحله‌به‌مرحله، روش‌های رسیدن به هدایت الهی را آسان‌تر خواهند کرد. در پژوهش‌های محمدی (۱۳۸۷)، حمزه‌زاده، آموزگار و بهشتی (۱۳۸۹)، خیام، خادمی و بختیاری (۱۳۸۹)، فروهی و سروریان (۱۳۸۵) و بلاغی (۱۳۸۸) به محتوای آیات اشاره شده است که با مؤلفه تلاوت آیات درزمره روش‌های آموزشی، همسویی دارند و بیشتر، حقایقی هستند که باید انتقال یابند. در پژوهش‌های مرتضوی (۱۳۸۷) و محمدی (۱۳۸۷) نیز مضمون تزکیه در نظام آموزشی ذکر شده است. ذیل مؤلفه تعلیم کتاب، محمدی (۱۳۸۷) به روش علم و علم‌آموزی، و خیام، خادمی و بختیاری (۱۳۸۹) به عبرت‌آموزی و آموزش قرآن (اقرآء) اشاره کرده‌اند که می‌توان آن را ذیل مؤلفه تعلیم کتاب قرار داد. تلفیق علم و عمل (احسانی، ۱۳۸۵)، مؤلفه‌ای است که می‌تواند در بخش تعلیم حکمت قرار گیرد؛ اما در هیچ‌یک از پژوهش‌ها به ارتباط بین مؤلفه‌ها و روابط حاکم بر آن‌ها اشاره نشده است و این مسئله را می‌توان امتیاز ویژه پژوهش حاضر به‌شمار آورد.

در موارد پیشنهادی، با استفاده از ویژگی سلسله‌مراتبی بودن، ارتباط بین مضامین، سادگی و ساختارمندی می‌توان براساس آن، مؤلفه‌های جزئی‌تر مبتنی بر قرآن، روایات یا دیگر پژوهش‌های انجام‌شده را در این حیطه مفهوم‌سازی و اجرا کرد. به‌نظر می‌رسد این مسئله، سال‌ها مغفول واقع شده است و داشتن مضامین متقنی که روابط بین زیرمضامین را نشان می‌دهند، بسیار ضروری است؛ درحالی که پرداختن به این مسئله می‌تواند مسیرهای جدیدی را در نظام‌های مدیریتی و آموزشی - تربیتی کشور، پیش روی مسئولان و مدیران آموزشی قرار دهد. اهمیت این موضوع، بیشتر زمانی مشخص می‌شود که مشاهده می‌کنیم در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، ضعف ساختاری وجود دارد. جزئیات موارد تبیین‌شده در پژوهش‌های افرادی همچون محمدی (۱۳۸۷)، سالاری (۱۳۹۲) و بلاغی (۱۳۸۸) تاحدودی آمده است. در واقع، اجرای این موارد و سلسله

مراتب آن‌ها در برنامه کلان آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌تواند به جهت‌گیری مناسب‌تر برنامه درسی ملی و نیز اتخاذ روش‌های آموزشی و تربیتی مناسب‌تر کمک کند. یافته‌های این پژوهش، سرعت و اثربخشی تعلیم و تربیت را ارتقا می‌دهند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری می‌کنند؛ علاوه بر آن، به دلیل مرحله‌ای بودن الگو، این فرصت در اختیار مدیران قرار دارد که آن را به صورت فرایندی اجرا کنند.

با توجه به آنکه پژوهش حاضر در مرحله اول در جهت شناسایی مضامین به منظور ایجاد یک ساختار است، هر یک از موارد ذکر شده، مستلزم صورت‌گرفتن پژوهش‌های بیشتر و تفصیلی هستند تا به کاربرد نزدیک شوند. در این پژوهش، فقط ساختار بندی و تعریف اولیه آن‌ها بیان شده است؛ در عین حال، پژوهش‌های روایی می‌تواند ساختارهای تفصیلی‌تر و جزئی‌تر هر کدام از روش‌های یاد شده را به دست دهد. در گام بعدی، نسبت هر یک از روش‌ها با دوره‌های رشد باید واکاوی شود تا برنامه‌ریزی متناسب با هر دوره رشد صورت گیرد؛ به عبارت دیگر، این پژوهش را می‌توان در قالب عناوین زیر توسعه داد:

- ساخت ابزار برای سنجش و ارزیابی مضامین اهداف، اصول و روش‌های تربیتی و استاندارد سازی آن؛

- پیمایش در خصوص وضعیت نظام آموزش و پرورش بر اساس مضامین به دست آمده؛

- مطالعه تطبیقی نظام‌های آموزشی و تبیین وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها با دریافت حاضر؛

- تبیین گام‌هایی به منظور اجرای مضامین برای مقاطع سنی (تحصیلی) مختلف به صورت تفصیلی.

منابع

- قرآن حکیم (ناصر مکارم شیرازی، مترجم).
- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲). تحلیل کیفی متن: استقرا/ قیاس. دوفصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، ۱، ۸۳-۱۰۰.
- احسانی، محمد (۱۳۸۵). نظام تربیتی پیامبر اعظم (ص): شاخص‌های نظری و عملی. معرفت، ۱۰۸، ۳۴-۴۶.

مدیریت تربیتی مبتنی بر سیره پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر آیات قرآن / مریم سلطان‌زاده پسیان و دیگران ۳۵

احمدوند، کبری (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل تطبیقی مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران.

اخوت، احمدرضا (۱۳۹۳). تفکر نفس. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت - علیهم السلام. اسکندری، حسین (۱۳۸۵). به سوی تعلیم و تربیت بدون شکست: اصول تعلیم و تربیت نبوی. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ۲۳۲، ۶۳-۱۰۲.

اسمعیلی، زهره؛ سرمدی، محمدرضا؛ و صفایی، طیبه (۱۳۹۹). طراحی مدل مفهومی «مراحل تربیت مبتنی بر دیدگاه اسلام» و دلالت‌های تربیتی آن: استراتژی تئوری داده‌بنیاد مبتنی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۶، ۱۹۹-۲۲۰.

افشاری کرمانی، محمدحسین (۱۳۹۲). رویکرد تربیتی در برخی از تفاسیر مفسران امامی ایرانی در سده اخیر در ۶ آیه از قرآن کریم: نساء، ۱۳۶؛ روم، ۳۰؛ حجرات، ۱۴؛ نحل، ۹۰؛ زحرف، ۳۲؛ حجرات، ۱۳. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران.

بلاغی، سید محمد (۱۳۸۸). مبانی، اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه پیامبر اکرم (ص). مرییان، ۳۱، ۹۵-۱۱۲.

تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.

جعفری، محمد انور (۱۳۹۹). منابع انسانی در نظام آموزشی کارآمد و اثربخش با رویکرد اسلامی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، قم، ایران.

چاهخویی اناری، اکبر (۱۳۹۵). تحول بنیادین در آموزش و پرورش با رویکردی بر قرآن و حدیث. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، میبد، ایران.

حاجی‌بابایی، حمیدرضا (۱۳۹۱). ویژگی‌های «مدرسه‌ای که دوست داریم» با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۴۲، ۵۱-۷۴.

حسین‌نژاد، صالح (۱۳۹۴). بررسی روش‌های تربیت دینی و اخلاقی فرزندان از دیدگاه پیامبر اسلام (ص). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۰). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). جلد چهارم: نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی (چاپ ۶). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حمزه زاده، سمیه؛ آموزگار، محمدحسن؛ و بهشتی، سعید (۱۳۸۹). بررسی نقش الگویی تربیتی پیامبر اکرم (ص) در پرورش انسان. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

حنیفه زاده، سارا (۱۳۹۸). تبیین روش شناسی تحلیل مفهومی در «فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی». (رساله دکتری تخصصی). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

حیدری، کوثر (۱۳۹۶). تبیین نظام تربیتی شیعه تا عصر امام جعفر صادق (ع). (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

خنیفر، ایوب (۱۳۹۱). مدیریت انبیا در قرآن. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۷). حمل قرآن: پژوهشی در روش شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید. قم: حوزه و دانشگاه.

خیام، میترا؛ خادمی، عزت؛ و بختیاری، شهلا (۱۳۸۹). نظام تربیتی مبتنی بر سیره نظری و عملی پیامبر (ص). (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

دارایی، محمد (۱۳۹۰). بررسی و تبیین جایگاه رویکرد الگویی در نظام تربیتی غرب و اسلام. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور استان همدان، همدان، ایران.

داوودی، محمد (۱۳۸۸). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). جلد سوم: تربیت اخلاقی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دزیانی، طیبه (۱۳۹۵). شخصی سازی آموزش متناسب با نیازهای هر فرد (تحقیق تجربی): آیا ارائه تنها یک گزینه برای آموزش مشابه شیوه سنتی، نتایج آموزش را بهبود می بخشد؟. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۵). سبک زندگی نبوی، نفعی خشونت زدگی. تهران: دریا.

زارعی، محمد (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل دیدگاه های تربیتی امام صادق (ع). (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

ساجو، عبدالله (۱۳۹۹). اهداف و خصایص فلسفه تربیت اسلامی (دراسة قرآنیة). (پایان نامه کارشناسی ارشد). جامعة المصطفی العالمیة، جامعة آل البیت (ع)، قم، ایران.

مدیریت تربیتی مبتنی بر سیره پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر آیات قرآن / مریم سلطان‌زاده پسیان و دیگران ۳۷

- سالاری، سهیلا (۱۳۹۲). شناخت انسان و اهداف تربیت وی از دیدگاه رسول خدا (ص). فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی: چکیده مقالات پنجمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۲۳۲-۲۳۶.
- سلطانی ثانی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی ضرورت ابتدای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر فلسفه اسلامی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- سیدجوادین، سید رضا؛ ماه‌بانویی، بهاره؛ و قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۴). ترسیم روابط علت- معلولی شایستگی‌های مدیریتی حضرت موسی (ع) با به‌کارگیری دیماثل خاکستری. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۱۰(۲)، ۲۰۷-۲۲۶.
- صادقی، علی‌رضا (۱۳۹۰). طراحی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی تربیت معلم ابتدایی جمهوری اسلامی ایران. (رساله دکتری تخصصی). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- صفرزایی، رسول (۱۳۸۹). بررسی انتقادی رویکرد غزالی به فلسفه و نقد پیامدهای تربیتی آن. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ و موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- فرمهبینی، محسن؛ و احمدآبادی، نجمه (۱۳۹۰). بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۲، ۷۹-۱۰۴.
- فروهی، ناصر؛ و سروریان، حمیدرضا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اکرم (ص). فلسفه و کلام: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ۲۳۲، ۱۳۷-۱۷۲.
- کرم‌علیان، حسن (۱۳۸۳). عناصر تربیتی انسان طبیعی و آرمانی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی. (رساله دکتری). دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۵). شاخص‌های تربیت دینی از دیدگاه پیامبر اکرم (ص). مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ۲۳۲، ۲۹۵-۳۲۴.

کیخا، علی رضا (۱۳۹۸). طراحی و اعتباریابی الگوی تدوین برنامه درسی فطرت‌گرای توحیدی در دوره ابتدایی. (رساله دکتری). دانشگاه علامه طباطبایی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان، تهران، ایران.

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).

محمدی، رضا (۱۳۸۷). اصول و روش‌های تربیتی ازدیدگاه پیامبر اکرم (ص). پژوهش‌های اجتماعی-اسلامی، ۷۲، ۱۱۹-۱۵۲.

محمدی‌نسب، مهدی (۱۳۸۹). الگویی برای تصمیم‌گیری راهبردی با رویکرد اسلامی. (رساله دکتری). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مرتضوی، سید محمد (۱۳۸۷). تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم (ص). فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۳۷، ۵۱-۷۴.

معینی‌پناه، اعظم؛ محمودی، امیرحسین؛ و عباسی، لطف‌الله (۱۳۹۴). بررسی اصول مدیریت آموزشی ازدیدگاه مدیریت علوی با تأکید بر نهج البلاغه. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

وقاری زمهریر، زهرا (۱۳۹۵). تبیین عناصر برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرا. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Gooba and Linkon (1985). <https://parsmodir.com/db/research/lincoln-guba.php>.
Hussain, A. (2004). Islamic Education: Why Is There a Need for It?. *Journal of Beliefs and Values*, 25(3), 317-323.

Mahmoudi, S.; Jafari, E.; Nasrabadi, H. A.; and Liaghatdar, M. J. (2012). Holistic Education: An Approach for 21 Century. *International Education Studies*, 5(2), 178-186.

Miller, R. (1992). *What Are Schools for? Holistic Education in American Culture. Revised*. Holistic Education Press, 39 Pearl Street, Brandon, VT 05733-0328.

Panjwani, F. (2004). The "Islamic" in Islamic Education: Assessing the Discourse. *Current Issues in Comparative Education*, 7(1), 19-29.

Schmeck, R. R. (1988). Individual Differences and Learning Strategies. In: *Learning and Study Strategies*, 171-191, Academic Press.